شناسایی ۲۰۰ تارنمای غیرمجاز همسریابی

معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتای فراجا از آغاز طرح عملیاتی پلیس سایبری کشور علیه تارنماهای فضای مجازی با موضوعات همسریابی خبر داد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، سرهنگ رامین پاشایی گفت: با توجه به رصد فضای مجازی و شکواییه قضایی دریافتی پلیس فتا مشخص شد فعالیت مجرمانه صفحات و کانال‌هایی در فضای مجازی با موضوع همسریابی همچنان قربانی می‌گیرد. طرح عملیاتی پلیس سایبری کشور علیه صفحات و تارنماهای فضای مجازی با موضوعات همسریابی در بیش از ۴۰ کارگروه ویژه در پلیس فتای فراجا آغاز شد و تاکنون بیش از ۲۰۰تارنما با موارد مجرمانه مشابه مورد شناسایی قرار گرفت و اقدام قضایی علیه متخلفان و مجرمان در حال پیگیری و اجراست. تعداد محدودی تارنمای دارای مجوز رسمی از وزارت آموزش و جوانان که در امر بهسان‌گزینی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به داوطلبان و متقاضیان در امر ازدواج فعالیت می‌کنند، دارای اعتبار هستند و سایر تارنماهای موجود در این حوزه فاقد وجاهت قانونی بوده‌اند و با سوءاستفاده از نام اشخاص حقیقی، حقوقی و سازمان‌های مؤثر در امر ازدواج از افراد کلاهبرداری می‌کنند. براساس تجزیه و تحلیل پرونده‌های قضایی مشخص شد شگرد کلاهبرداران فعال در این حوزه بسیار پیچیده بوده است و پس از برقراری ارتباط عاطفی با متقاضیان و جلب اعتماد آنان با به‌دست آوردن سایر اطلاعات شخصی و خانوادگی و در اختیار قرار گرفتن فیلم و تصاویر خصوصی از فریب‌خوردگان با تهدید از قربانیان اخاذی می‌کنند.



جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ شماره ۶۵۶۱

گفت‌وگو با قهرمان ۷ ساله تراژدی شاهچراغ

بزرگمردان کوچک شاهچراغ

مجید غمخوار
گروه حوادث

تازه آفتاب غروب کرده بود و زائران در حال ورود به حرم شاهچراغ بودند تا نماز مغرب و عشا را به جماعت در صحن بخوانند. عقربه‌های ساعت، عدد ۷ را نشان می‌داد که تروریست مسلحی با اسلحه کلاشنیکف از در باب‌المهدی(عج) وارد و شروع به تیراندازی کرد. عیسی قدرتی همراه دو پسر خردسالش در ورودی منتظر دختر کوچولو و مادر خانواده بود که متوجه حضور تروریست مسلح شد. او بلافاصله فرزندانش را به گوشه‌ای کشید و از آنها خواست تا با تمام قدرت از تیررس تروریست مسلح فرار کنند. محمدمبین هفت‌ساله و محمدمتین ۱۰ ساله شروع به فرار کردند. هنوز چند متری دور نشده بودند که تروریست مسلح پدر را از ناحیه پا هدف گلوله قرار داد. محمدمتین خود را به جای امن رساند اما محمدمبین هفت‌ساله که وضعیت پدر را دید، همان‌جا کنار پدر ماند تا او را نجات دهد. انتشار فیلم فداکاری پسر هفت‌ساله در حادثه تروریستی شاهچراغ شیراز در فضای مجازی و تلاش مبین برای نجات جان پدرش، این روزها از او قهرمان ساخته است. قهرمانی کوچک که در آن وضعیت، ترس هم نتوانست مانع کمک او به پدرش شود. پدرشان در بیمارستان نمازی شیراز بستری است و این روزها عموی خانواده پیگیر وضعیت او در بیمارستان است. از طریق عموی خانواده گفت‌وگویی با محمدمبین و محمدمتین که در کنار پدر هستند، انجام دادیم که درادامه می‌خوانید.


عکس: سایت بهار کوار

قهرمان داستان حادثه شاهچراغ، محمدمبین هفت‌ساله است که با زمین خوردن پدرش تلاش می‌کرد او را از مهلکه نجات دهد. پسر هفت‌ساله بسیار شیرین‌زبان است و تمام جزئیات حادثه را دقیق بیان می‌کند. وقتی می‌خواهم حادثه را روایت کند، می‌گوید: «صدایی شبیه ترقه آمد و خیلی ترسیده بودم. پدرم گفت فرار کنیم که من هم به دنبال او و برادرم دویدم اما پدرم چند متر آن‌طرف‌تر روی زمین افتاد. محمدمتین از ما دور شده بود و دیگر او را ندیدم.» وقتی پدر روی زمین افتاد، پسر کوچولو چند قدمی از او فاصله گرفت اما نتوانست او را تنها بگذارد و دوباره نزد پدر برگشت. «پدرم، مرد مهربانی است و من دوستش دارم به همین خاطر می‌خواستم کمک کنم بلند شود تا با هم از آنجا برویم اما دیدم از پاهایش خون می‌آید. پدرم چند بار گفت فرار کن اما کنار او ترسم کمتر بود. وقتی دید نمی‌روم تلاش کرد برای حفظ جان من با پای زخمی از آنجا دور شود. چند دقیقه بعد پلیس و آمبولانس اورژانس آمد و پدرم را بردند. بعد هم مادرم مرا پیدا کرد و پیش برادر و خواهرم رفتم.» یک روز بعد از حادثه، فیلم خودش را در گوشی‌های تلفن همراه دید و فهمید قهرمان کوچولوی تراژدی شاهچراغ شده است. «خوشحالم که معروف شدم. همه از من حرف می‌زنند و می‌خواهند مصاحبه کنند. بیشتر از معروف شدن از این خوشحالم که حال پدرم خوب است. وقتی دیدم از پایش خون می‌آید، خیلی ترسیده بودم. اگر این اتفاق باز هم بیفتد، دوباره پیش پدرم می‌مانم. دوست دارم بزرگ شدم، پلیس شوم تا این آدم‌های بد را زندانی کنم. دیشب دوباره خواب آن مرد را دیدم و با وحشت از خواب پریدم.»

مکث

ما مخفی شدیم

محمد متین که غروب دوشنبه شاهد تیراندازی مرد تروریست بود وقتی پدرش مجروح شد وظیفه مراقبت از خواهر و برادر کوچک ترش را برعهده گرفت تا مادر پیگیر وضعیت پدر باشد.

محمدمتین برای چه کاری به شیراز رفته بودید؟

ما اهل شهرستان طسوج کوار هستیم. روز یکشنبه برای زیارت شاهچراغ به شیراز آمدیم. حوالی اذان مغرب و عشا وارد حرم شدیم. من، مبین و پدرم بعد از عبور از گیت بازرسی، منتظر مادر و خواهر کوچولویم بودیم که آن اتفاق افتاد.

چه اتفاقی؟

صدای شلیک گلوله که آمد، پدرم گفت بچه‌ها فرار کنید. من و مبین دویدیم. فقط صدای تیر می‌شنیدم. من همراه چند نفر دیگر فقط دویدیم و نفهمیدم پشت سرم چه اتفاقی افتاد. همه ترسیده بودند و سعی می‌کردند فرار کنند. من هم همراه آنها می‌دویدم.

کجا رفتی؟

من و چند نفر دیگر به داخل سرویس بهداشتی رفتیم و آنجا پناه گرفتیم.

ترسیده بودی؟

خیلی. همه چیز یکدفعه اتفاق افتاد و فقط می‌گفتند فرار کنید. وقتی داخل سرویس بهداشتی بودیم هم وحشت داشتیم که آن مرد به آنجا نیاید و به ما شلیک نکند. چند دقیقه بعد مادرم به آنجا آمد و فهمیدیم همه چیز تمام شده است. خواهرم را پیش من گذاشت و همراه چند نفر به دنبال مبین رفتند و دقایقی بعد با او بازگشت. آنجا بود که فهمیدم پدرم تیر خورده است. پدرم الان بیمارستان بستری است و ما هم کنارش هستیم تا حالش خوب شود و به طسوج برگردیم.



محکمه

درآمد ۶ میلیارد تومانی دزدان خانه‌های شمال تهران

پنج عضو باند سرقت که با دستبرد سریالی به خانه‌های شمال تهران ۶۰ میلیارد تومان پول و طلا سرقت کرده بودند، دستگیر شدند. متهمان با درخواست اشد مجازات از سوی مالباختگان به زودی محاکمه می‌شوند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، از تابستان سال گذشته و بعد از دستبرد سارقان به خانه‌ای در محله نیاوران تهران، تحقیقات جنایی پلیس برای دستگیری اعضای این باند آغاز شد. زن صاحبخانه به ماموران گفت: امروز عصر برای خرید از خانه بیرون رفتم. دو ساعت بعد که به خانه برگشتم متوجه دستبرد سارقان به خانه‌ام شدم. سارقان هشت میلیارد تومان پول، طلا و مجسمه از خانه‌ام دزدیده بودند.

تحقیقات برای دستگیری سارقان آغاز شده بود که ۲۴ ساعت بعد و این بار سرقت از خانه‌ای در یوسف‌آباد به پلیس گزارش شد. این بار سارقان با ورود به خانه دو کیف حاوی طلا به ارزش ۱۸ میلیارد تومان را سرقت کرده بودند.

در حالی که ردی از سارقان در دست نبود، شمار شاکیان اعضای این باند به ۳۰ نفر افزایش یافت. بررسی شکایت‌ها نشان می‌داد، دزدان با زاغ‌زنی در محله‌های شمال شهر تهران خانه‌هایی که صاحبخانه در آن حضور ندارد را شناسایی می‌کنند و سپس دست به سرقت می‌زنند.

سرانجام یکی از اعضای این باند در جریان موبایل‌قاپی شناسایی و دستگیر شد. او اعتراف کرد با سه مرد و یک زن این سرقت‌ها را انجام داده‌اند که چهار همدستش شناسایی و دستگیر شدند. با تحقیق از متهمان مشخص شد، آنها علاوه بر دستبرد به خانه‌ها، موبایل و کیف‌قاپی هم می‌کنند.

با تکمیل تحقیقات از متهمان برای آنها به اتهام مشارکت در سرقت مسلحانه و گروهی در شب، مشارکت در شروع سرقت و تخریب در خانه‌ها، شروع به سرقت با سلاح سرد، قدرت‌نمایی با قمه و ضرب و جرح عمدی کیفرخواست صادر شد. پرونده اعضای این باند در حالی برای محاکمه به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شده که ارزش اموال سرقتی ۶۰ میلیارد تومان برآورد شده است.



عدلیه

ماموریت به پزشکی قانونی درباره مرگ مشکوک پسر معلول

تیم سه نفره پزشکی قانونی بررسی‌ها درباره شناسایی علت مرگ پسر معلول در مرکز نگهداری معلولان کم‌توان جسمی و ذهنی را آغاز کردند. پدر این معلول مدعی قتل پسرش در این مرکز شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه دوم مرداد امسال مردی میانسال با حضور در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از مدیر یک مرکز نگهداری از افراد معلول کم‌توان جسمی و ذهنی در شرق تهران به اتهام قتل پسر ۱۹ ساله معلولش شکایت کرد. در تحقیق از وی معلوم شد همسرش فقط چند سال از سه پسر معلول و کم توان جسمی و ذهنی‌شان نگهداری کرده و بعد جدا شده است. پسر دومش محمدمتین شرایطش نسبت به دو بچه دیگر بدتر بود که به همین دلیل در این مرکز نگهداری می‌شد. این مرد با مشاهده آثار ضرب و جرح و شکستگی در پا و بدن پسرش، سراغ مسوولان مرکز رفت که آنها گفته بودند این آثار به دلیل خودزنی و دعوا با دیگر بچه‌ها به وجود آمده است. که در پی آن را به بیمارستان انتقال داده شده و در آنجا فوت کرده است.

با دستور بازپرس پرونده، مدیر عامل مرکز نگهداری از این کودکان به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران احضار شد و در تحقیقات گفت: این مرکز ۴۵ سال است از کودکان معلول کم‌توان ذهنی و جسمی نگهداری می‌کند. مدتی هیات امنایی اداره می‌شد و چند سالی است مدیر عامل آنجا هستم. ۲۰ درصد هزینه آنجا را خودم و ۸۰ درصد را نیکوکاران تامین می‌کنند. ۱۶۰ نفر با شرایط محمد متین در اینجا نگهداری می‌شوند. کارکنان با حقوق کم اما با اشتیاق از این بچه‌ها نگهداری می‌کنند.

وی افزود: محمدمتین به خودش آسیب رسانده و مصدومیت داشت. روانپزشکی که وضعیتش را بررسی می‌کرد هم نظر داده که او مدام از بیقراری رنج می‌برد. مسئولان مرکز و پرستاران به خوبی از او نگهداری کردند و قصوری در مرگ او ندارند. بر اساس گفته پزشک بیمارستانی که او در آنجا بستری بود، علت مرگ او ایست قلبی تنفسی ناشی از عفونت دستگاه تنفسی بوده است.



دیروز دو نماینده از بهزیستی استان تهران نیز نزد بازپرس پرونده آمدند و درباره این پرونده اعلام نظر کردند. یکی از آنها در اظهاراتش گفت: بهزیستی به همه مراکز نگهداری از کودکان سرکشی می‌کند و اعمال و رفتار مسئولان مرکز را بررسی می‌کند. مراکز نگهداری از این افراد به دوربین مداربسته مجهز است، اگر قصوری رخ داد مشخص شود. با اطلاع از مرگ این معلول ۱۹ ساله از مرکز بازدید و با مسئولان و کارکنان صحبت کردیم و متوجه شدیم آنها هیچ گونه آسیبی به این پسر ۱۹ ساله وارد نکرده‌اند و درمانش به درستی انجام گرفته و قصوری در نگهداری از او وجود نداشته‌اند.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر گفت: با جمع‌بندی این اطلاعات قرار شد هیاتی سه نفره از کارشناسان پزشکی قانونی موضوع مرگ پسر معلول را بررسی کنند تا اگر قصوری رخ داده، مشخص شود و در صورت قصور با مقصران آن برخورد قضایی انجام گیرد.

نظمیه

راز رفیق‌کشی در خانه باغ

مردی که بعد از قتل دوستش، جسد او را در خانه ویلایی دفن کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در روزهای نخست هفته، خانواده مرد جوانی با حضور در پلیس آگاهی استان مرکزی از ناپدید شدن او خبر دادند. آنها در شکایت خود گفتند؛ پسرشان برای انجام کاری از خانه بیرون رفت اما پس از آن ناپدید شد. به هرجایی که احتمال می‌دادیم آنجا باشد سر زدیم اما هیچ اثری از او نبود. به همین دلیل به پلیس آمدیم تا برای یافتنش درخواست کمک کنیم. پس از این شکایت، تیمی از ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و به بررسی بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی پرداختند اما ردی از او به دست نیامد. این موضوع کارآگاهان را در برابر دو فرضیه قتل و گروگانگیری قرار داد. با توجه به این‌که با خانواده مرد جوان برای اخاذی تماس گرفته نشده بود، احتمال گروگانگیری رنگ باخت و فرضیه قتل قوت گرفت. با بررسی تماس‌های مرد ناپدید شده، متوجه شدند او آخرین بار در یک باغ‌ویلا در حاشیه شهر اراک حضور داشته است. با شناسایی این باغ‌ویلا تیمی از ماموران راهی این محل شدند.

سرهنگ کارآگاه کامیار چهری، رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی در این باره گفت: ماموران به بررسی باغ پرداختند و در بخش انتهایی آنجا متوجه جابه‌جایی بخشی از خاک شده و با حفر آن نقطه با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که با بررسی آن مشخص شد متعلق به مرد ناپدید شده است.

وی ادامه داد: جسد برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و یکی از دوستان مقتول به‌عنوان مظنون دستگیر شد. تنها مظنون پرونده در ابتدا منکر قتل بود اما در ادامه لب به اعتراف گشود و مدعی شد: به مواد مخدر اعتیاد شدیدی دارم. مدتی بود با مقتول اختلاف پیدا کرده و روز حادثه او را کشته و جسدش را در باغ دفن کردم.

سرهنگ چهری خاطر نشان کرد؛ متهم با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی و با صدور قرار قانونی روانه زندان شد.

عدلیه

حاتم‌بخشی سارقان با اموال سرقتی از خانه‌ها

سه مرد با سرقت از خانه‌های پایتخت با پول‌های سرقتی حاتم‌بخشی می‌کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، از پاییز سال گذشته افرادی که ساکنان شرق و شمال شرق تهران بودند با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، شکایت کردند از خانه‌های‌شان سرقت شده است. ماموران خانه‌ها را بررسی کرده و پی بردند سارقان دوربین‌های مداربسته ساختمان‌ها را تخریب کرده و از طریق بالکن و پنجره وارد خانه‌ها شده و سکه، طلا، تابلوفرش و اموال آنتیک سرقت می‌کردند. در یکی از خانه‌ها یک ساعت مچی گران‌قیمت با قدمت ۷۰ ساله را سرقت کرده بودند. سرانجام چند روز پیش مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اطلاع داد سارق خانه همسایه‌اش را قبل از فرار بازداشت کرده است. ماموران به آنجا رفتند و سارق که موقع فرار پایش مصدوم شده بود را تحویل گرفتند اما دو همدستش گریخته بودند.

شهرام متهم پرونده در تحقیقات گفت: من و دو همدستم ساکن غرب کشور هستیم. سال ۹۷ در تهران باربری می‌کردیم. برای پولدار شدن سراغ یک خلافکار رفتیم و نحوه سرقت از خانه‌ها را نزد او آموزش دیدیم. بعد سه نفری سرقت می‌کردیم. با پول فروش اموال دزدی برای خواهرم جهیزیه خریدم. با مبلغی که برایم مانده بود حاتم‌بخشی کرده و هزینه خرید دارو و درمان هم روستاهای بیمارم را پرداخت کردم. یک بار با دختری آشنا شدم که وقتی فهمید در ماشین پول و طلا دارم، من را با آبمیوه مسموم بیهوش و پول و طلاهایم را سرقت کرد. هر وقت پول‌های‌مان تمام می‌شد به خانه‌ها دستبرد می‌زدیم.

علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف این متهم دو همدستش نیز بازداشت شدند و به جرایم‌شان اعتراف کردند.



کوتاه از حوادث

اختلاف خانوادگی پایان قتل همسر

مردی که در جریان اختلاف خانوادگی با همسرش او را در خانه‌شان در شهرپردیس به قتل رسانده و گریخته بود، بازداشت شد.

سرپرست فرماندهی انتظامی پردیس گفت: در پی اعلام خبری مبنی بر یک‌فقره قتل زن ۳۷ ساله در پردیس، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. همزمان با حضور ماموران در یکی از خانه‌های مجتمع‌های پردیس با جسد زنی ۳۷ ساله روبه‌رو شدند. آثار کبودی و ضرب‌وشتم روی بدن وی دیده می‌شد. با تحقیق از مادر و دو پسر مقتول معلوم شد که او در جریان درگیری با شوهرش به قتل رسیده و داماد خانواده متواری شده است. در جریان تحقیقات معلوم شد آنها اختلاف خانوادگی با هم داشتند. ماموران در جست‌وجوی قاتل فراری بودند تا این‌که سرانجام بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات اعتراف کرد که در پی اختلاف خانوادگی با همسرش درگیر شده و او را به قتل رسانده است.

متادون، قاتل دختر فروشنده

فروشنده مغازه عطاری اشتباهی به جای آب، شربت متادون کارفرمای معتادش را خورد و فوت کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته خانواده‌ای با حضور در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از صاحب یک عطاری بابت قتل دخترشان شکایت کردند. مادر خانواده در جریان تحقیقات گفت: دخترم سالها به عنوان فروشنده در یک عطاری در یکی از محله‌های جنوب غرب تهران کار می‌کرد. یک روز که به خانه آمد مدام می‌گفت حالش بد است. وقتی با او حرف زدیم گفت که اشتباهی به جای آب، متادون خورده و حالش بد شده است. او را به بیمارستان منتقل کردیم اما فوت شد. حالا از صاحب عطاری شکایت داریم.

در تحقیقات بعدی معلوم شد، یکی از همسایه‌های مغازه عطاری به این دختر مشروب داده که او احضار و در تحقیقات گفت: وقتی برای سرکشی به مغازه دوستم رفته بودم، متوجه شدم دختر فروشنده به جای آب، اشتباهی متادون خورده است. برای این‌که حالش خوب شود به او مشروب دادم.

در جریان معاینات کارشناسان پزشکی قانونی مشخص شد مرگ این دختر بر اثر مصرف شربت متادون بوده است. ماموران با هماهنگی قضایی به مغازه عطاری رفتند و در بازرسی آنجا شیشه خالی مشروب و شربت متادون را یافتند. صاحب مغازه عطاری به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران احضار شد و در تحقیقات گفت: دختر جوان سال‌ها برایم به عنوان فروشنده کار می‌کرد. خودم اعتیاد داشتم و شربت متادون مصرف می‌کردم. نمی‌دانم چرا این دختر اشتباهی به جای خوردن آب آن را برداشت و خورد.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر گفت: برای صاحب عطاری قرار قانونی صادر شد و تحقیق از او ادامه دارد.

قتل همسر وسواسی

مرد میانسال که همسرش را به خاطر وسواس به قتل رسانده و جسدش را مثله کرده بود به‌زودی در دادگاه کیفری محاکمه می‌شود. به گزارش جام جم، شامگاه بیست‌وهشتم تیرسال گذشته زن میانسالی در خانه‌شان در طبقه دوم ساختمانی در تهران به قتل رسید. دو پسرش بعد از بازگشت به خانه، جسد مثله‌شده او را در حمام خانه یافتند. پدر ۶۵ ساله‌شان ناپدید شده و تلفن همراهش خاموش بود. با دستور بازپرس دادسرای جنایی تهران، تحقیقات آغاز و معلوم شد مقتول وسواس داشته و سر همین موضوع با شوهرش بارها دعوا و درگیری داشته که همسایه‌ها و بچه‌هایش این درگیری را تایید کردند. همسایه‌ها در تحقیقات گفتند، شوهر مقتول را دیده بودند که وحشتزده از ساختمان فرار کرده است. با گذشت سه ماه از فرار این متهم، ماموران اداره دهم پلیس آگاهی عصر یکشنبه هفدهم مهر همان سال او را در یکی از بوستان‌های جنوبی شهر تهران بازداشت کردند. متهم در تحقیقات گفت: «من و اعظم ۳۷ سال با هم زندگی کردیم و در این مدت حتی یک سیلی هم به او نزده بودم. اعظم وسواسی بود و سر همین موضوع اختلاف و درگیری داشتیم. زمانی که کرونا اوج گرفت، وسواس او بیشتر شد. لباس‌ها را یک بار با دست و یک بار با ماشین می‌شست و با آفتاب خشک می‌کرد. روز حادثه بر سر این رفتار همسرم با او درگیر شده و کشتمش اما درباره مثله کردن جسد و جداکردن پوستش، چیزی به خاطر ندارم.»

در ادامه مرد میانسال با دستور قضایی برای بررسی سلامت روانش به پزشکی قانونی منتقل شد که پزشکان اختلال روانی او را تایید کرده اما گفتند این اختلال رافع مسئولیت نیست.

با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و او به‌زودی در شعبه چهارم محاکمه می‌شود.